

به نام خدا

فرانسه از اوج استعمارگری تا دموکراسی خونین

(بررسی تحلیلی از سرگذشت تاریخی چهل و شش کشور تحت سلطه فرانسه)

پژوهش و تحقیق از:

جمال الدین اسلامی جهرمی



- سرشناسه : اسلامی جهرمی، جمال الدین، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور : فرانسه از اوج استعمارگری تا دموکراسی خونین : بررسی تحلیلی از سرگشت تاریخی
چهل و شش کشور تحت سلطه فرانسه/ پژوهش و تحقیق از جمال الدین اسلامی جهرمی.
شیراز: انتشارات شامچراغ (ع)، ۱۳۹۹.
مشخصات نشر : ۳۲۰ ص.
مشخصات ظاهری : 978-622-712908-3
شابک :
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : فرانسه -- مستعمره‌ها
موضوع : France -- Colonies
موضوع : فرانسه -- مستعمره‌ها -- تاریخ
France -- Colonies -- History
رده بندی کلاس : JV۱۸۲۷
رده بندی دیویی : ۳۲۵/۳۴۴
شماره کتابخانه ملی : ۶۱۱۸۴۶۵



۳۳۲۲۱۹۱۶ ۳۳۲ ۶۰۳۱



فرانسه از اوج استعمار تا دموکراسی خونین

جمال الدین اسلامی جهرمی

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۲۹-۰۸-۳

نوبت و سال چاپ : اول ۱۳۹۸ / شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه / قطع وزیری

لیتوگرافی / چاپ و صحافی : چاپ سمن

حروف چینی و صفحه آرایی : اطلس دهقانی

طرح جلد : محمدصادق اسلامی جهرمی

قیمت : ۱۰۰۰۰۰ تومان



Printed in the Islamic Republic of Iran – Shiraz

حق چاپ محفوظ است

به نام خدا

پیش‌گفتار

با مطالعاتی که در مورد نقش فرانسه در طول تاریخ استعمارگری این کشور به عنوان رقیب دیرینه انگلیس در اکتشاف تصاحب و تصرف سرزمین‌های بلاصاحب و کم جمعیت و یا گاهاً پرجمعیت علی‌رغم داشتن تمدن و حکمت رومی در آن سرزمین‌ها داشته‌ام به این حقیقت پی بردم که فرانسه هم، همچو انگلیس در سطح قاره‌ای جهان دارای نفوذ و اقتدار بوده و همچنان نیز در بسیاری از کشورهای جهان و در تعیین سیاست‌ها، را بر دمی آن‌ها دخالت مستقیم و نیابتی داشته است! گر چه در قرن یازدهم (۱۰۹۶ میلادی) در زمان پاپ اوربانوس دوم مسیحیان مغرب زمین به منظور به اصطلاح آزادی اورشلیم (بیت المقدس) رفع خطر از امپراطوری بیزانس (روم شرقی) اولین جنگ صلیبی بر علیه مسلمانان به سرکرده‌گی پیرنماری و یحیی و بنا به فتوای پاپ وقت از سرزمین فرانسه و با فرمانده فرانسوی آغاز گردید و این جنگ‌ها نیز به تعداد نه جنگ خونین و به فاصله از سال ۱۰۹۶ تا ۱۲۹۱ میلادی برابر با ۶۹۰ هـ.ق هم ادامه داشت. لیکن پس از آن صلیبیون با آشنایی نسبی با تمدن مشرق زمین و دین اسلام توجه آن‌ها به سوی گنج‌های نهفته در سرزمین‌های اسلامی و آیین مسلمانان معطوف گردید. این آشنایی البته در قرن سیزدهم منجر به تحول بزرگی در جوامع اروپایی و رونق اقتصاد و گسترش شهرها و مراکز علمی به ویژه در فرانسه شد و بدین ترتیب جان تازه‌ای در کالبد رعایا و طبقات مختلف جامعه‌ی فرانسه آن روز دمیده شد و دوران طلایی قرون وسطای فرانسه آغاز گردید و به مرور این کشور به طلایه‌دار فرهنگ و تمدن اروپایی مبدل شد.

فرانسه پس از پشت سر گذاشتن جنگ‌های یک صد ساله از سال‌های ۱۳۳۷ الی ۱۴۵۳ در چند مرحله با انگلستان، بخش‌های پهناوری از خاک خود را از دست داد. قیام ژاندارک (۱۴۱۲-۱۴۳۱) اتحاد و مقاومت فرانسویان را در برابر انگلستان تقویت کرد و سرانجام انگلیسی‌ها را در سال ۱۴۵۳ از تمام متصرفات خود مجبور به عقب‌نشینی کرد. سال‌های ۱۴۸۳ تا ۱۵۶۰ را باید سال‌های

تجدید قدرت فرانسه نماید.

در ۱۵۶۲ آتش جنگ‌های مذهبی شعله‌ور گردید و سپس به انعقاد اتحادیه‌های مقدس توسط کاتولیک‌ها منجر شد. هانری چهارم به عنوان نخستین شاه فرانسه از سلسله‌ی بوربون به فرمانروایی فرانسه دست یافت. وی در سال ۱۶۱۰ کشته شد و پس از او لویی سیزدهم زمام امور کشور را در دست گرفت. ولی با استفاده از مشاوران بزرگی چون ریشلیو و مازاران اوضاع آشفته‌ی فرانسه را سر و سامان دادند و قدرت هوگوها یا پروتستان‌های کالونی را در هم شکست. با روی کار آمدن لویی چهاردهم (۱۶۴۳-۱۷۱۵) عصر طلایی تاریخ تمدن فرانسه آغاز گردید. فرانسه در این دوره به استعمارات یا مستملکات وسیع و فراوانی در قاره‌ی آمریکا (کانادا) و دریای کارائیب (آمریکای مرکزی) و هندوچین (شرق آسیا) به دست آورد و به اوج قدرت و اقتدار خود رسید. همزمان دوره‌ی گسترش علوم تجربی و آشنا شدن مردم اروپا به علوم و فلسفه‌ی جدید تأثیر بزرگی بر تحول جامعه‌ی آن روز فرانسه به جای گذاشته شد.

رنه دکارت (۱۵۹۶-۱۶۵۰) فیلسوف و ریاضیدان فرانسوی بخشی از افکار فلسفی خویش را درباره‌ی پیدایش جهان و افعالات انسانی متمرکز ساخت و نخستین اثر کتبی را در هندسه‌ی تحلیلی تدوین نمود. ویژگی فیلسوفان فرانسه در قرن هجدهم خردگرایی و مبارزه با خرافات عمومی و رایج بود و به همین مناسبت از زمان را عصر روشنگری نامیده‌اند.

مونتسکیو (۱۶۸۹-۱۷۵۵) فیلسوف و مورخ فرانسوی با رشتن کتاب روح‌القوانین حکومت‌ها را از نظر علمی مقایسه کرد و نظرات خود را درباره‌ی تعادل بین یک قوانین سه گانه در حکومت کشور به خوبی بیان داشته است. حکومت فرانسه در قرن هجدهم و هجدهم در دست طبقات ممتاز و فئودال‌ها بود و برای کارگران و توده‌ی زحمتکش جایگاه اجتماعی قائل نبود. انتقادهای ولتر از کلیسا و حکومت و نوشته‌های دانشمندان دیگر به خصوص دiderot و مونتسکیو و ژاک روسو، چشم و گوش مردم را کاملاً باز کرده بود به طوری که لویی شانزدهم شاه فرانسه در اوت ۱۷۸۸ با انتخابات عمومی (اتانژترو) موافقت نمود و تحت فشار مردم که خواهان تشکیل مجلس ملی بودند اجباراً به تشکیل مجلس مزبور تن در داد و مردم هم که از نفوذ درباریان در افکار شاه و دخالت ناروای آنان ناراضی بودند سر به شورش برداشتند و در ژوئیه ۱۷۸۹ زندان باستیل را فتح کردند و شورش روستاییان نیز به سوزاندن کاخ‌ها و آذار مالکان و اربابان منجر شد!

در ۱۵ اکتبر ۱۷۸۹ جمعی از مردم پاریس به سوی کاخ و رسای روانه شدند و خانواده‌ی سلطنتی را به شهر پاریس بردند و تحت نظر خود در کاخ توپلری جای دادند و اختیارات شاه را محدود کردند و اراضی متعلق به کلیسا را ملی اعلام داشتند. لویی شانزدهم که وحشت‌زده بود به سوی مرز

اتریش فرار کرد ولی در نزدیکی‌های مرز دستگیر گردید و به پاریس بازگردانده شد. اشراف و مخالفین انقلاب که از فرانسه فرار کرده بودند کشورهای همسایه و بیگانگان را به مداخله نظامی در امور فرانسه تشویق کردند. شایعه‌ی تماس شاه و ملکه با بیگانگان به شورش دیگری در سال ۱۷۹۲ انجامید و لویی شانزدهم از سلطنت خلع شد و در سپتامبر همان سال رژیم سلطنتی نیز ملغی گردید و لویی شانزدهم به جرم خیانت به کشور محاکمه و با گیتوین اعدام شد. این امر به شورش سلطنت‌طلبان منجر شد و در پی آن انگلستان با فرانسه وارد جنگ شد و به دنبال آن وحشت بر همه جا مستولی گردید. در اوت ۱۷۹۵ مجلس کنوانسیون قانون اساسی جدیدی وضع کرد و قوه‌ی قضائیه را به یک هیئت پنج نفره به نام دیرکتوار محول نمود و این هیئت از عهده‌ی کار برنیامد و فرانسه در پرتگاه سقوط سیاسی قرار گرفت.

ناپلئون بناپارت افسر جوان ارتش هیئت مذکور را در سال ۱۷۹۹ منحل کرد و رژیم کنسولا برقرار نمود و خود نخست در رأس آن بای گرفت و اندک زمانی بعد رسماً به امپراتور فرانسه مبدل گردید در سال ۱۸۰۰ اتریش را شکست داد. در سال ۱۸۰۱ با کلیسا صلح کرد و مجموعه قانون جدیدی را تدوین کرد و در ۱۸۰۲ کنسول مادهامر شد. در سال ۱۸۰۴ خود را امپراتور فرانسه نامید و در دسامبر همان سال به دست پاپ پیوس هفتم در پاپیس تاج امپراطوری فرانسه را بر سر نهاد.

در سال ۱۸۰۵ ارتش اتریش را در اُسترلیتز در سال ۱۸۰۶ پروس (آلمان) را درینا، و در سال ۱۸۰۷ روسیه را در ناحیه‌ی فریدلاند شکست داد و با انعقاد قرارداد صلح «تیلزیت» خود را فرمانروای قاره‌ی اروپا دانست و نقشه‌ی سیاسی اروپا را تغییر داد. در ۱۸۱۲ به روسیه حمله برد و تا مسکو پیش رفت ولی ناگزیر از عقب‌نشینی شد و سپاه بزرگ ۵۰۰۰۰ نفری او نابود گردید. در سال ۱۸۱۳ در رویارویی مجدد با اتحاد کشورهای روسیه، پروس، آلمان، انگلستان، سوئد و اتریش شکست خورد و در آوریل ۱۸۱۴ از سلطنت کناره‌گیری کرد و به جزیره‌ی آلبی تبعید شد وی مجدداً به فرانسه بازگشت و یک دوره‌ی فرانروایی صد روزه را آغاز کرد و در پایان این مدت در جنگ واترلو به سختی شکست خورد و به وسیله‌ی انگلیسی‌ها به جزیره‌ی سنت هلنا (از مستعمرات انگلیسی در اقیانوس اطلس) تبعید گردید و سرانجام در ۱۸۲۱ در همان محل درگذشت و جسدش را در سال ۱۸۴۰ به فرانسه بردند و در انوالید پاریس دفن کردند. کنگره‌ی وین که از سپتامبر ۱۸۱۴ تا ژوئن ۱۸۱۵ پس از استعفای ناپلئون اول تشکیل گردید مرزهای فرانسه را تقریباً مطابق مرزهای کنونی تعیین نمود و لویی هجدهم در خانواده‌ی بوربون را به سلطنت فرانسه نشانده. پس از او شارل دهم در ۱۸۲۴ به سلطنت رسید. وی که مرد خودکامه‌ای بود با واکنش مردم آزادیخواه فرانسه روبرو شد و از سلطنت خلع گردید و لویی فیلیپ به جای او نشست. در

دوران سلطنت او تجارت و صنعت توسعه یافت و فرمان مشروطیت مورد تحدید نظر قرار گرفت. انقلاب فوریه سال ۱۹۴۸ به سلطنت او پایان داد و لویی ناپلئون برادرزاده‌ی ناپلئون به عنوان رئیس جمهوری دوم فرانسه انتخاب گردید. وی در کودتای سال ۱۸۵۲ خود را امپراتور فرانسه خواند و به ناپلئون سوم موسوم شد. توسعه‌ی مستعمرات و مستملکات ماوراء بحار فرانسه و رونق اقتصادی کشور از ویژگی‌های این دوره‌ی فرانسه محسوب می‌شود. ناپلئون سوم در جنگ فرانسه و پروس (آلمان) در سال ۷۱-۱۸۷۰ شکست خورد و آلتزاس و لورن را از دست داد و دوران فرمانروایی او نیز پایان یافت.

پس از او جمهوری سوم فرانسه آغاز شد و ژنرال ماکماتون در سال ۱۸۷۳ به ریاست جمهوری انتخاب گردید. تعدد احزاب و ائتلاف‌های شکننده آن‌ها، روی کارآمدن دولت‌های زودگذر و بی‌پای را موجب شد. در پایان ثبات فرانسه را متزلزل نمود.

سیاست خارجی فرانسه در سال‌های قبل از جنگ جهانی اول ادامه‌ی توسعه‌ی مستعمرات در آفریقا و آسیا بود. وحشت دولت فرانسه از توسعه‌ی قدرت نظامی آلمان، فرانسه را به روسیه و سپس به انگلستان نزدیک کرد. بدین ترتیب اتفاق مثلت پایه‌گذاری شد که هدف از آن رویارویی هر سه کشور با توسعه و پیشرفت نظامی آلمان بود. فرانسه پس از جنگ جهانی اول از بحران اقتصادی سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۱ به سختی آسیب دید و برنامه‌های اقتصادی دولت‌های ائتلافی و متزلزل این کشور با شکست مواجه شد و با شرکت در پیمان مونیخ (۱۹۳۸) راه مسالمت و همکاری با آلمان نازی و ایتالیای فاشیست را در پیش گرفت. اما با حمله‌ی برق‌آسای ارتش مجهز آلمان در سپتامبر ۱۹۳۹ به لهستان و اشغال دانمارک، نیروی متحد و بلژیک در پی آن و وارد شدن ایتالیا به جنگ به نفع آلمان به یک‌باره غافلگیر شد.

در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۰ فرانسه نیز پس از دفاعی ناموفق به زانو درآمد و بریتانیا در برابر حملات بی‌امان هوایی و دریایی آلمان‌ها تنها گذارد. همزمان مارشال پتن پیمان ترک مخاصمه با آلمان را امضاء کرد و وی رئیس حکومت دست‌نشانده‌ی ویشی (آلمان‌ها) گردید. ژنرال دوگل که همزمان در لندن به سر می‌برد و فرانسه آزاد را در طول این مدت (۴ سال) رهبری می‌کرد از نبرد شمال آفریقا دولت موقت فرانسه را در الجزایر تشکیل داد و پس از آزادی فرانسه در اوت ۱۹۴۴ (از اشغال آلمان نازی) دولت خود را به پاریس منتقل نمود. وضع اسفبار اقتصاد فرانسه پس از پایان جنگ دوم با کمک‌های اقتصادی امریکا تحت عنوان طرح مارشال رو به بهبودی گذارد و در سال ۱۹۴۶ جمهوری چهارم فرانسه اعلام گردید و در پی آن برای حفظ منافع خود در خاور دور به هندوچین نیرو فرستاد و با ایجاد پادگان نظامی دین بین فو در لائوس در نوامبر ۱۹۵۳ موجب تشدید جنگ ویتنام در آن منطقه گردید به طوری که

اندکی پیش از انتصاب ژنرال ناوار به فرماندهی کل نیروهای فرانسه در منطقه واحدهای منظم نیروی ویت مین به لائوس حمله کردند و تا نزدیکی پایتخت آن پیش رفتند و حکومت پانت لائورا در دو ایالت شمالی لائوس مستقر کردند.

ژنرال ناوار در ژوئیه سال ۱۹۵۳ طرحی را به تصویب کمیته‌ی دفاع ملی رسانید که به موجب آن فرانسوی‌ها با اعمال یک استراتژی دفاعی عملیات ویت مین‌ها را متوقف کرده و سپس با اجرای یکسری عملیات تعرضی حریف را وادار به مذاکره می‌نمودند. چون دولت لائوس در معرض تهدید جدی نیروهای ویت مین بود فرانسوی‌ها برای دفاع از تمامیت ارضی لائوس و سرکوبی قوای ویت مین ناحیه دین بین فو در مجاورت مرز لائوس را انتخاب کردند بر طبق محاسبات فرانسوی‌ها دژ دین بین فو را محلی غیرقابل نفوذ و تسخیرناپذیر می‌پنداشتند.

در بین روزهای ۱۰ تا ۲۰ نوامبر سال ۱۹۵۳ به تدریج فرانسه در دین بین فو استقرار یافتند و نیروهای ویت مین را که با کمک هواپیماها در مدت کوتاهی تار و مار کردند، ۸ روز پس از استقرار واحدهای فرانسوی ژنرال جیاب نیروهای خود را از طریق دلتای رود سرخ به طرف دژ دین بین فو به حرکت درآورد.

جیاب در طی سه ماه از دسامبر ۱۹۵۳ تا مارس سال بعد موفق به تمرکز عمده‌ی نیروهای خود در اطراف دین بین فو گردید. از صبح روز سیزدهم مارس ۱۹۵۴ نیروی ویت مین با دادن صدها کشته و وارد آوردن تلفات زیادی به فرانسوی‌ها دین بین فو را مورد حمله‌ی شدید قرار دادند. نیمه شب بعد دومین رشته استحکامات دفاعی فرانسوی‌ها سقوط کرد و کمونیست‌ها با حمایت نیروهای تازه‌نفس با عبور از روی اجساد متجاوزین فرانسوی پاسگاه‌ها، فرانسوی را یکی پس از دیگری اشغال کردند. دولت فرانسه سعی کرد با دریافت کمک از امریکا، سقوط دژ جلوگیری کند و حتی نزدیک بود بمب اتمی بار دیگر به کار گرفته شود ولی سرانجام در روز هفتم ماه مه سال ۱۹۵۴ به دنبال ۸ هفته جنگ شدید استحکامات دین بین فو سقوط کرد. فاجعه ویتنامی اسرای فرانسوی را به هائوی فرستادند سقوط دژ دین بین فو جنجال بسیاری در پی داشت و موجب بروز تحولاتی سیاسی در آسیای جنوب شرقی گردید که اهم آن‌ها از میان رفتن نفوذ فرانسه در هندوچین و پایان یافتن جمهوری چهارم در کشور فرانسه بوده است!

با آغاز قرن ۲۰ و روی کار آمدن جرج بوش پسر در یک انتخابات پر سر و صدا و مبهم که بحث‌انگیزترین انتخابات تاریخ آمریکا لقب گردید وی در ژانویه سال ۲۰۰۱ به کاخ سفید راه یافت و همزمان سناریوی حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر توسط طراحان جنگ‌طلب کاخ سفید و به همراهی فرانسه، انگلیس و پادشاهی عربستان سعودی و در قالب یک عملیات تروریستی به نام

القاعده و تحت رهبری، تروریستی افراطی به نام أسامه بن لادن به وقوع پیوست که هدف از آن بهره‌برداری از این عملیات و ایجاد یک پروژه‌ی بلندمدت در جهت پیشبرد اهداف استعماری به شیوه‌ی جدید و به راه انداختن جنگی تمام عیار و خانمانسوز بر علیه مسلمانان و آزادیخواهان مسلمان و مبارزه بوده است که تاکنون ۲۰۱۹ نیز دامنه‌ی آتش آن در افغانستان، سوریه، یمن، عراق و لیبی گسترده شده است!

نقش دولت فرانسه به عنوان یکی از اضلاع این مثلث سوم (انگلیس، آمریکا و فرانسه) از همان ابتدای این سناریو هماهنگی و همراهی با دیگر کشورهای حوزه‌ی ناتو در عملیات‌های مختلف آمریکا در کشورهای مزبور به منظور فروش تسلیحات نظامی و تصاحب منافع و حفظ آن‌ها و تست رزمایش آخرین دستاوردهای نظامی خود بر سر مردم بی‌دفاع و به خصوص مسلمان از غرب آسیا تا شمال آفریقا بوده است!!

انگلیس به تنهایی در ظرف جغرافیای جهانی و کشورهای رسمی و دارای پرچم با توجه به داشتن اطلاعات جامع و کامل سیاسی و اجتماعی از اوضاع آن‌ها در طول قرون گذشته، دارای احاطه‌ی سیاسی و اطلاعاتی بوده و توسط عوامل و عناصر اطلاعاتی پیدا و نهان و رسانه‌های حامی او در خدمت او هستند و بر چگونگی اوضاع جهان در گوشه و کنار دنیا از طریق صدها پایگاه استراق سمع آن کشور بر امور جاری به نفع خود فاس می‌باشند!!

فرانسه نیز با همین شیوه و سبک و سیاق این با و محبت کمتری و احاطه بر یک چهارم کشورهای رسمی جهان و مستعمرات خود که اسامی و موقعیت آن‌ها در این مجموعه گردآوری شده به این مهم می‌پردازد!

از طرف دیگر ایالات متحده‌ی آمریکا در طول پنج دهه‌ی گذشته با بودن گوی سبقت از آندو رقیب خود در بسیاری از کشورهای جهان به دلیل داشتن قدرت اقتصادی، برتر و نفوذ و به کارگیری زور و تهدید در صحنه‌های سیاسی منطقه و فرمانطقه‌ای خود و همراهی کشورهای دیگر در صدد یک‌ه تازی برآمده و با دیکته کردن سیاست‌های خود بر دیگر کشورها سعی در اعمال نظر خود داشته است که تاکنون نیز در این امر توفیق چندانی به دست نیاورده. گر چه اتفاق نظر این سه کشور به عنوان مثلث سوم در حال حاضر در قالب گروه کشورهای مذاکره‌کننده در گفت‌وگوی هسته‌ای ۵+۱ با ایران و همراهی با چند کشور دیگر (آلمان، روسیه و چین) و با اعمال شدیدترین تحریم تاریخی و ناجوانمردانه در صدد به اصطلاح مهار برنامه‌ی صلح‌آمیز هسته‌ای ایران و یا نابودی آن بر آمده‌اند که تاکنون نیز با توجه به اذعان خودشان به انجام این امر موفق نشده‌اند؟! و چون اراده‌ی ملی و ایمان مذهبی در تحقق آن دخیل بوده لذا در آینده نیز امکان و

احتمال توقف آن متصور نخواهد شد!

در این مجموعه نوشتاری سعی شده است که ضمن حروف‌بندی کشورها براساس الفبا البته نه به صورت قاره‌ای (و جداگانه) بلکه به صورت ترتیب حروف با معرفی کشورهای تحت سلطه‌ی استعماری فرانسه و تحلیل موردی در متن و زیرنویس در صورت ضرورت و بررسی مختصری از تاریخچه‌ی سیاسی آن‌ها از ابتدا تا این تاریخ و چگونگی نقش و حضور استعمارگران فرانسوی در آن کشور پرداخته شود. گرچه در بعضی از کشورهای مثل موریتس در قاره‌ی آفریقا، هائیتی در آمریکای مرکزی و وانواتو (وانوافو) در قاره‌ی اقیانوسیه و حتی کانادا در قاره‌ی آمریکا تسلط استعماری آن در کشور (فرانسه و انگلیس) به صورت اشتراکی و توافقی بوده است!

تهیه‌ی این مجموعه گرچه بی‌نقص نبوده لیکن سعی شده کم‌ترین ایراد داشته باشد و امید می‌رود با مطالعه‌ی اهل علم در جهت ارائه‌ی نظرات اصلاحی رفع اشکالات احتمالی در آینده و چاپ بعدی آن حتماً مدنظر قرار خواهد گرفت.

از فرزند گرامی‌ام آقای محمد سادق اسلانی که در تهیه‌ی بعضی از مطالب و به خصوص طراحی روی جلد کتاب علی‌رغم گرفتاری بسیار نامین مالی بخشی از مخارج آن متحمل سختی شدند بی‌نهایت سپاسگزاری می‌نمایم.

جمال‌الدین اسلامی

۹۸/۶/۲۹

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیش گفتار.....	۵
فرانسه [F].....	۱۷
مختصری از تاریخچه‌ی فرانسه از ابتدا تا کنون.....	۲۰
مستملکات ماوراء بحار فرانسه French Overseas Possessions.....	۴۲
دپارتمان ماوراء بحار فرانسه French Overseas Departments.....	۴۴
مختصری از تاریخچه‌ی جزیره‌ی رئونیون از ابتدا تا کنون.....	۴۵
جزیره گوادلوپ Guadeloupe.....	۴۷
مختصری از تاریخچه‌ی گوادلوپ از ابتدا تا کنون.....	۴۸
گویان فرانسه French Guiana.....	۵۰
مختصری از تاریخچه‌ی گویان از ابتدا تا کنون.....	۵۱
جزیره‌ی مارتینیک Martinique.....	۵۲
مختصری از تاریخچه‌ی جزیره‌ی مارتینیک از ابتدا تا کنون.....	۵۳
سرزمین‌های اشتراکی ماوراء بحار فرانسه.....	۵۵
مایوت Mayotte.....	۵۶
سرزمین‌های ماوراء بحار فرانسه French Overseas Territories.....	۵۸
مختصری از تاریخچه‌ی مجمع الجزایر پلینزی از ابتدا تا کنون.....	۵۹
مجمع الجزایر والیس و فوتونا Wallis and Futuna.....	۶۰
مختصری از تاریخچه‌ی جزایر والیس و فوتونا از ابتدا تا کنون.....	۶۱
سرزمین‌های جنوبی و جنوبگان فرانسه.....	۶۲
کالدونیای جدید (کانالی) New Caledonia (Kanaky).....	۶۲
مختصری از تاریخچه‌ی کالدونیا از ابتدا تا کنون.....	۶۴
آندورا (AND).....	۶۶
مختصری از تاریخچه‌ی آندورا از ابتدا تا کنون.....	۶۸
آفریقای مرکزی (RCA).....	۶۹
مختصری از تاریخچه‌ی آفریقای مرکزی از ابتدا تا کنون.....	۷۱
آمریکا (U.S.A).....	۷۳
مختصری از تاریخچه‌ی آمریکا از ابتدا تا کنون.....	۸۰
الجزایر Algeria.....	۹۴
جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر.....	۹۴

۹۶.....	مختصری از تاریخچه‌ی الجزایر از ابتدا تا کنون
۱۰۰.....	بلژیک Belgium
۱۰۲.....	مختصری از تاریخچه‌ی بلژیک از ابتدا تا کنون:
۱۰۶.....	بنین Benin جمهوری خلق بنین
۱۰۹.....	مختصری از تاریخچه‌ی بنین از ابتدا تا کنون
۱۱۱.....	بوروندی (BU) جمهوری بوروندی
۱۱۳.....	مختصری از تاریخ بوروندی از ابتدا تا کنون
۱۱۷.....	توگو: Togo اسامی قدیمی: توگوی فرانسه، توگولند
۱۲۰.....	مختصری از تاریخچه‌ی کشور توگو از ابتدا تا کنون
۱۲۳.....	تونس Tunisia
۱۲۵.....	مختصری از تاریخچه‌ی تونس از ابتدا تا کنون
۱۳۰.....	جیبوتی Djibouti
۱۳۲.....	مختصری از تاریخچه‌ی جیبوتی از ابتدا تا کنون
۱۳۵.....	چاد Chad
۱۳۸.....	مختصری از تاریخ چاد از ابتدا تا کنون
۱۴۱.....	ساحل عاج (کوت دیوآر)
۱۴۳.....	مختصری از تاریخچه‌ی ساحل عاج از ابتدا تا کنون
۱۴۶.....	سنت لوسیا (St. Lucia)
۱۴۹.....	مختصری از تاریخچه‌ی جزیره‌ی سنت لوسیا از ابتدا تا کنون
۱۵۱.....	سنگال Senegal
۱۵۴.....	مختصری از تاریخچه‌ی سنگال از ابتدا تا کنون
۱۵۷.....	سوریه Syria
۱۵۹.....	مختصری از تاریخ سوریه از ابتداء تاکنون
۱۶۵.....	سی‌شل Seyshelles
۱۶۷.....	مختصری از تاریخچه‌ی سی‌شل از ابتدا تا کنون
۱۶۹.....	صحرا: Sahrar
۱۷۱.....	مختصری از تاریخچه‌ی صحرا از ابتدا تا کنون
۱۷۶.....	کشور پادشاهی کامبوج Cambodia
۱۷۹.....	مختصری از تاریخچه‌ی کامبوج از ابتدا تا کنون
۱۸۳.....	کامرون Cameroon
۱۸۶.....	مختصری از تاریخ کامرون از ابتدا تا کنون
۱۸۸.....	کانادا: Canada نام سابق: امریکای شمالی بریتانیا
۱۹۱.....	مختصری از تاریخچه‌ی کانادا از ابتدا تا کنون
۱۹۶.....	کنگو (کنگو کینشاسا) Congo
۱۹۹.....	مختصری از تاریخچه‌ی کنگو کینشاسا از ابتدا تا کنون

۲۰۶	کنگو (کنگوی برازویل) Congo یا کنگوی وسطی فرانسه
۲۰۹	مختصری از تاریخچه کنگو برازویل از ابتدا تا کنون
۲۱۲	مجمع الجزایر کومور Comoros
۲۱۵	مختصری از تاریخچه کومور از ابتدا تا کنون
۲۱۸	جمهوری گابون Gabon
۲۲۱	مختصری از تاریخچه گابون از ابتدا تا کنون
۲۲۴	گیبئی کوناگری Guinea
۲۲۷	مختصری از تاریخچه گیبئی کوناگری (فرانسه) از ابتدا تا کنون
۲۳۰	لائوس Lao
۲۳۳	مختصری از تاریخچه لائوس از ابتدا تا کنون
۲۳۷	لبنان: لبنان Lebanon
۲۴۰	مختصری از تاریخچه لبنان از ابتدا تا کنون
۲۴۸	لوکزامبورگ Luxembourg
۲۵۰	مختصری از تاریخچه لوکزامبورگ از ابتدا تا کنون
۲۵۴	ماداگاسکار Madagascar
۲۵۸	مختصری از تاریخچه ماداگاسکار از ابتدا تا کنون
۲۶۱	مالی Mali
۲۶۳	مختصری از تاریخچه مالی از ابتدا تا کنون
۲۶۶	مغرب (مراکش) Morocco
۲۶۹	مختصری از تاریخچه مغرب از ابتدا تا کنون
۲۷۴	موریتانی Mauritania
۲۷۷	مختصری از تاریخچه موریتانی از ابتدا تا کنون
۲۸۰	موریس: Mauritius
۲۸۳	مختصری از تاریخچه موریس از ابتدا تا کنون
۲۸۶	موناکو Monaco
۲۸۸	مختصری از تاریخچه موناکو از ابتدا تا کنون
۲۹۰	وانواتو Vanuatu
۲۹۳	مختصری از تاریخچه وانواتو از ابتدا تا کنون
۲۹۶	ویتنام Vietnam
۲۹۹	مختصری از تاریخچه ویتنام از ابتدا تا کنون
۳۰۵	نیجر Niger
۳۰۸	مختصری از تاریخچه نیجر از ابتدا تا کنون
۳۱۰	هائیتی Haiti
۳۱۳	مختصری از تاریخچه هائیتی از ابتدا تا کنون
۳۱۹	منابع و مآخذ